

# نگار

- ☆ بحران رژیم ایران و مبارزه برای حقوق دموکراتیک
- ☆ یادداشت‌هایی درباره صنعتی شدن ایران
- ☆ دموکراسی سوسیالیستی و دیکتاتوری پروتئاریا
- ☆ شوراها در روسیه
- ☆ کمیسیونهای کاریگری در اسپانیا
- ☆ فاشیسم و جنبش کاریگری

شماره ۷، بهار ۱۳۵۷



تبریز بپا میخیزد!

کندوکاوه شماره ۷  
بهار ۱۹۷۸

- ۱..... تیریز به پا می خیزد!  
۲..... بحران رژیم و مبارزه برای حقوق د مكراتيك  
۱۲..... یادداشت‌هایی درباره صنعتی شدن ایران  
۲۴..... د مكراسی سوسیالیستی و د یكتاتورى پرولتاریا  
۳۶..... شوراها در روسیه  
۴۶..... جنبش نوین پرولتری و کمیسیونهای کارگری در اسپانیا  
۵۵..... فاشیزم و جنبش کارگری

آدرس:

KANDOKAV  
c/o The Other Bookshop  
328 Upper Street,  
London N1.

حساب بانکی

Olivier Pavillon  
Compte Courant no. 774 731.4  
Credit Foncier Vaudois  
Place Chauderon 8,  
Lausanne, SUISSE

# تبریز یا میخیزد!

وسعت تظاهرات و شدت خشم توده ها که در تبریز به اوج خود رسید، پایه های رژیم قلداری شاه را چنان به لرزه افکند که ارتجاع هراسان از گسترش بیشتر جنبش سرکوب فوری آن به آخرین سلاح خود، یعنی ارتش متوسل شد. در اوایل بعد از ظهر تحت هدایت مستقیم شخصی شاه فرمان محاصره و اشغال نظامی تبریز صادر شد. جلادان و قصابان لجام میخیزند. رژیم سلح به آخرین ابزار خونفشان آدامشمان حرفه ای جهان به کشتار زنان و مردان و کودکان بی دفاع تبریز پرداختند. تانکها و زرهپوشان شاه تظاهرات مردم تبریز را بی محابا به توپ و مسلسل بستند و از هیچ گونه رذالت و ذلتی جهت ایجاد رعب و وحشت در شهر دریغ نورزیدند. گزارشهای اولیه تعداد کشته شدگان را صد ها نفر و تعداد زخمی شدگان را در حدود سه هزار نفر برآورد کرده است. یک بار دیگر ارتش ارتجاع ننگ "فتح" خونین آذربایجان بی دفاع را نصیب خود می کند. اینک ارتش "فتح" مراسم اعطای مدالهای "افتخار" به آدامشمان هارشن را برگزار می کند و آنها را که در اعمال سفاکی قصور ورزیده اند به محاکمه می کشاند.

اما رژیم دیکتاتوری نمی داند که کارائی ابزار سرکوبش دیگر مانند گذشته نیست. موج شدید اختلافی رژیم کودتا که بویژه پس از "انقلاب شاه و مردم" ابعاد سهمگینی به خود گرفت دیگر نمی تواند آتش جنبش توده ای را بدل به خاکستر کند. خفقان سیاسی که در دوره پیشین، پس از شکست بی تدرج جنبش در مقابل کودتای ارتجاع، عامل یأس و سرخوردگی توده ها شده بود، امروزه به غل برانگیختگی بیگارشان طبع استبداد تبدیل شده است. امروزه، تشدید خفقان نه تنها باعث فروکش موج اعتراضات توده ای نمی گردد، بلکه برعکس، خود موجب تعمیق و تعمیق آن خواهد شد. دوران مبارزات محدود و پراکنده و منفرد اقشار و طبقات که بدون اعتراض سایر بخشهای جامعه به سرعت و با موفقیت از جانب استبداد سرکوب می شد، به سرآمد است. بحران سیاسی و اقتصادی رژیم ایران و نظام جهانی امپریالیستی از یک سو، و تحولات تدریجی دوره اخیر دساختار طبقاتی جامعه از سوی دیگر، شرایط مساعدی را برای چرخش تند تناسب نیروهای طبقاتی در ایران فراهم ساخته است. در چنین شرایطی حرکت توده هائی که دیگر مایل به ادامه وضع موجود نیستند بزودی رژیم را نیز در ادامه دادن این وضع ناتوان خواهد ساخت. و این هنگامیست که انقلاب سوم ایران آغاز می گردد!

برخواست مردم تبریز در روز شنبه ۲۹ بهمن ماه طلوعه مرحله نوینی از بیکار توده ای طبع ارتجاع و استبداد در ایران را نوید می دهد. در این روز تبریز یکپارچه در اعتراض به کشتار وحشیانه مردم قم به پاخاست. انبوه مردمی که در این تظاهرات شرکت کردند در طی تمام دوره بعد از کودتای ارتجاع در ایران بی سابقه بوده است. تظاهرات تبریز خود بخشی از موج اعتراضی گسترده ای بود که روز چهارم قتل عام مبارزین قسم سرتاسر کشور را فراگرفت. مردم ایران باری دیگر نیروی عظیم خود را در برابر رژیم ترور و خفقان به نمایش گذاردند. شاه و اربابان خارجیش تصور می کردند که شقاوت بید ریخ چند ماه اخیر مورین آدامشمان حرکات نوین مبارزاتی مردم جهت کسب حقوق و مکرانیک را مهار کرده است. اما ابعاد وسیع این اعتراضی نشان داد که دوران قدر قدرتی دیکتاتوری پلیسی نظامی به سرآمده و بیکار مردم ایران جهت سرنگونی استبداد و سلطنت آغاز شده است. پس از یخبندان دراز سیاسی چند دهه پیش، پیگیری و گسترده اعتراضی توده ای، بویژه در تبریز، امواج اولیه حرکت سیل آسای جدید جنبش وسیع و همگانی مردم را نشانه می زند. بدون تردید، شرایط جهت فائق آمدن بر شکست ۲۸ مرداد مهیا می گردد.

تصادفی نیست که آزادی خواهان آذربایجان قهرمانان بار دیگر در پیشاپیش قیام توده ای طبع استبداد و ارتجاع به حرکت درآمده اند. تصادفی نیست که جنبش توده ای این بار نیز از شهر تبریز، شهر ستارها و باقرا، آغاز می شود. گردان و دلاوران رنجبر آذربایجان همواره نبض انقلاب ایران را در دست داشته اند. زمانیکه آذربایجان به خروش می آید زمان به پسا خاستن مردم ایران است. طبرغم بیرحمانه ترین و ددمنشانه ترین فشاری که حکومت پلیسی نظامی پهلوی از هنگام شکست جنبش ملی در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ تاکنون بر مردم این سرزمین اعمال کرده است، طبرغم اشغال نظامی دائمی این منطقه، مردم آذربایجان با برخاستن ۲۹ بهمن بار دیگر نشان دادند که کماکان پرچم جنبش مترقی ایران را در دست دارند. طبرغم آمادگی قبلی نیروهای پلیس و سازمان امنیت و ژاندارمری و تمام تهدیدات و ضرب و جرح آنها، در این روز، صد ها هزار نفر، از کارگر و بازاری گرفته تا روشنفکر و روحانی، در خیابانهای شهر تبریز به تظاهرات پرداختند. بازارها، دانشگاه، مدارس و ادارات همه به حالت تعطیل عمومی درآمد. آزادی خواهان تبریز نشان دادند که هیچ تهدید و تطمینی طبع جنبش مردمی که مصمندن در برابر سفاکی رژیم به پاخیزند، کوش نخواهد داشت.